



تحلیل فقهی - حقوقی اقدام آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی و امکان سنجی تعقیب کیفری آن در محاکم داخلی (با تاکید بر صلاحیت واقعی و شخصی منفعل)

محمد رضا قربانی^۱ | عباس کلانتری خلیل آباد^۲ |
سید مصطفی میرمحمدی میبیدی^۳ | نفیسه متولی زاده نایینی^۴

چکیده

امروزه کشورهای حامی تروریسم با استفاده از فناوری و تجهیزات روز توانسته‌اند اقدامات خود را در هر کجا که اراده کنند سازماندهی کرده و به اجرا درآورند. بررسی تروریسم و عناوین فقهی مرتبط با این اصطلاح به همراه ارکان تشکیل دهنده آن‌ها، موجبات مقایسه این رفتارهای مجرمانه را فراهم می‌سازد. مقایسه‌ای که با مشخص نمودن وجوه اشتراک و افتراق این عناوین، می‌تواند روش اتخاذ شده را نسبت به مقابله با اقدام ایالات متحده آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی، مورد ارزیابی قرار دهد. سوال‌هایی که پژوهش حاضر در مقام پاسخ به آن‌ها بوده عبارتند از: از منظر فقهی - حقوقی چه عنوان مجرمانه‌ای بر اقدام آمریکا، نسبت به این جنایت، صدق می‌کند؟ ترور و تروریسم چه رابطه‌ای با قتل عمدی دارند؟ کدام روش (رسیدگی در محاکم قضایی داخلی یا بین‌المللی) برای پرونده قضایی ترور شهید سلیمانی مناسب است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم نبود رکن قانونی ضمانت اجرای پدیده تروریسم در قوانین داخلی، چنانچه اینگونه رفتارها که در واقع مصداق جرم علیه امنیت داخلی کشور می‌باشند، منتهی به جنایت علیه تمامیت جسمانی گردد، اعمال مجازات با لحاظ قرار دادن نتیجه جرم ارتكابی توسط محاکم داخلی پایتخت بر مرتکبین، بلا مانع است. که در این مقاله با روش مطالعه توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، شهید سلیمانی، صلاحیت رسیدگی، ضمانت اجرا، تعقیب کیفری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آیت الله حائری میبید، یزد، ایران

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آیت الله حائری میبید، یزد، ایران

۳. نویسنده مسئول: استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آیت الله حائری میبید، یزد، ایران

۴. استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبید، یزد، ایران

مقدمه و بیان مسئله

گاهی اوقات ارتکاب یک واقعه، تعامل قدرت را در عرصه بین الملل تحت تاثیر خود قرار داده و نهایتاً می تواند تبدیل به یک نقطه عطفی در جوامع بین المللی و دنیای سیاست گردد. یکی از حوادثی که موجب حرکت عظیم و خودجوش مردم در خارج و داخل ایران گردید، جنایت ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰) می باشد. که می تواند مصداق بارز وقایع و نقاط عطف مورد اشاره تلقی شود. بی شک حاج قاسم سلیمانی از مصادیق بارز آیه شریفه (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا) می باشد. علی رغم تمامی سعی جامعه بین المللی در شناسایی و مبارزه با پدیده مجرمانه تروریسم، نه تنها موفقیتی در این زمینه حاصل نشده، بلکه با رشد فزاینده ای به خصوص در دو دهه اخیر همراه بوده است؛ چرا که کشور های حامی تروریسم از طریق جنگ افزارهای مدرن و به شکل سازمان یافته توانسته اند تقریباً در اقصی نقاط جهان مرتکب اقدامات خشونت آمیز و تروریستی شوند. از منظر حقوقی اقدام ایالات متحده آمریکا در ترور سردار سلیمانی، در قلمرو کشور ثالث و بدون وجود مخاصمه مسلحانه میان آنها، آن هم به دستور مستقیم رئیس جمهور آن کشور، مطابق مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از اعمال متخلفانه بین المللی و بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، یک عمل متخلفانه بین المللی است. هر چند در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلاً برای تروریسم پیش بینی نشده است، اما می توان آن را ذیل عناوین مجرمانه دیگری از جمله قتل عمد، بغی و افساد فی الارض، مورد بررسی قرار داد (حیب زاده و حکیمی ها، ۴۷-۷۱: ۱۳۸۶). از طرفی عناوین فقهی مذکور در قوانین اسلامی از جمله جرایمی هستند که توسط شارع مقدس به جهت ایجاد رعب و وحشت در جامعه منع شده و مجازات سنگینی برای عاملان این جنایت در نظر گرفته شده است. با وجود توصیه های سازمان ملل متحد به کشورهای عضو مبنی بر جرم انگاری پدیده بین المللی تروریسم اما تاکنون، هیچ تعریف جامع و مانعی درباره آن ارائه نشده است که متخصصان و محققان، روی آن اجماع و توافق داشته باشند و تنها به ذکر مصادیقی از این جرایم من جمله گروگان گیری، هواپیماربابی و آدم ربایی بسنده کرده اند؛ بنابراین در تعریف تروریسم

وحدت نظری وجود ندارد، اما صاحب نظران در مورد یکی از مصادیق آن اتفاق نظر دارند و آن این است که تروریسم همیشه با خشونت و یا تهدید به خشونت همراه بوده است (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷:۱۴۸). در عین حال تلاش های زیادی در سطح جامعه بین الملل در راستای اعمال مجازات برای رفتارهای تروریستی و بالخصوص پیشگیری از تروریسم صورت گرفته که در نتیجه آن، کنوانسیون ها و معاهدات متعددی در این راستا به تصویب رسیده است. جمهوری اسلامی ایران، موافقت نامه هایی با بعضی از کشورها در زمینه تروریسم به امضاء رسانده و عضو کنوانسیون های مرتبط با موضوع شده است. یکی از مهمترین این موارد، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین المللی مصوب سال ۱۳۸۷ می باشد. مطابق بند دوم از ماده یک این کنوانسیون تروریسم در واقع به هرگونه عمل خشونت آمیز اطلاق می شود که به منظور تحقق اقدامات مجرمانه گروهی یا فردی که با هدف به خطر انداختن امنیت، منابع ملی و حقوق مردم و ایجاد رعب و وحشت بین آنها و همچنین تهدید کردن وحدت سیاسی، تمامیت ارضی و ثبات کشورهای مستقل، انجام گیرد. مطابق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی "قرارداد ها، مقاوله نامه ها، عهدنامه ها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد" و بر اساس ماده ۹ قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷) مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است. از طرفی کنوانسیون فوق الاشاره در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تایید و به عنوان یک قانون لازم الاجرا برای محاکم داخلی محسوب می شود. همچنین طبق تعریفی که در پیش نویسی که انتشارات دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۰۴ در خصوص مفهوم تروریسم منتشر کرد، تروریسم اینگونه تعریف شده است: استفاده غیرمجاز یا بهره گیری تهدید آمیز از خشونت فردی و یا گروهی سازمان یافته علیه افراد و یا دارایی آن ها به قصد ارباب یا مجبور کردن جوامع و حکومت ها، اغلب به دلایل ایدئولوژیک یا سیاسی. بنابراین در تعریف تروریسم می توان گفت: "تهدید یا استفاده از خشونت بر علیه شهروندان به منظور دستیابی به اهداف سیاسی به منظور ایجاد نارضایتی عمومی یا ارباب مخالفان" از این تعریف چند نکته استنباط می گردد: ۱_ هدف و انگیزه اغلب جریان های تروریستی، در واقع دستیابی به اهداف سیاسی و بعضاً مذهبی است ۲_ هدف کنش تروریستی، ترس سوژه مورد نظر است نه لزوما حذف فیزیکی ۳_ نهایتا هدف

اصلی جریان تروریستی یعنی ارباب، باعث می شود هر حادثه تروریستی سه طرف داشته باشد که عبارت است از گروه تروریستی، قربانیان و طرف سوم یا اکثریت جامعه که هدف غالباً ارباب یا جلب حمایت آن است (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۴۸) لازم به ذکر است، اقدامات غیرقانونی و خشونت آمیز حکومت ها برای سرکوب مخالفان خود و ترساندن آنان، در ردیف تروریسم قرار دارد، که از آن تحت عنوان تروریسم دولتی یاد می شود (علیزاده، ۱۳۷۷: ۲۷۴). با بررسی کنوانسیون مذکور و دیگر نظریاتی که در این خصوص وجود دارد، در می یابیم که علی رغم ارائه تعریف از پدیده تروریسم و به کار بردن این واژه در برخی از قوانین داخلی، لکن، هیچ اشاره ای به نوع ضمانت اجرا و میزان مجازات، نشده است. بنابراین، در صورت احراز شرایط تروریستی بودن واقعه، برای اعمال مجازات قانونی باید نتیجه رفتار ارتكابی را لحاظ قرار داد. لذا، آنچه که پژوهش حاضر به دنبال تبیین آن است ابتدا تشخیص عنوان مجرمانه اقدام ایالات متحده، از نظر فقه امامیه ۱ و قوانین داخلی و نهایتاً تشخیص مرجع صالح با لحاظ قرار دادن شدت و نوع مجازات مقرر قانونی است. آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است اینکه آیا می توان رفتار عاملین شهادت سردار سلیمانی را به نوعی اقدام علیه امنیت داخلی کشور دانست؟ هر چند ممکن است با ارتكاب بسیاری از جرائم در منطقه ای معین و خاص، قائل بر این بود که از نظر عرف، ارتكاب آن بزه، باعث سلب آرامش و امنیت اهالی آن منطقه شده است، اما از نظر حقوقی برای اثبات و شناسایی جرائم علیه امنیت باید به قوانین مدون مراجعه نمود. لذا، قطع نظر از این موضوع که هر جرمی خلاف نظم عمومی است و قطع نظر از قضاوت عرف که تاثیر پذیر و نامشخص است، قانونگذار در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ ق.م.ا (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور را مشخص کرده است (خالقی، ۱۳۹۷: ۳۸۶). علاوه بر این به نظر می رسد که در عمل، رویه محاکم کیفری در مقام تشخیص مصادیق این دسته از جرایم، مفهومی گسترده تر از آنچه که مطرح گردید را در نظر دارند به طوری که هیات عمومی دیوان عالی کشور در رای شماره ۵۲۱ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹ اعلام کرده است تشکیل جلسه و ایجاد رعب و وحشت بین مردم و قتل و غارت، عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران است". این پژوهش با بیان،

با توجه به اینکه بخش عمده ای از قوانین کیفری داخلی منبث از فقه امامیه می باشند، لذا پژوهش حاضر درصدد تحلیل عناوین فقهی مرتبط با اقدام آمریکا می باشد.

بررسی، نقد مستندات طرفین و مبانی آن‌ها در قوانین مدون و فقه امامیه، با اشرافیت بر قواعد کلی حاکم بر نظام حقوق کیفری اسلام در تشریح یک نظریه کاربردی و جامع در تبیین سیاست جنایی منسجم اسلامی در زمینه اقدام صورت گرفته توسط ایالات متحده آمریکا، خواهد پرداخت.

مبانی نظری پژوهش: خشونت در اسلام (از ذهنیت تا واقعیت)

بر اساس آیه شریفه (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ) (اسراء/۳۳)، "و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز به حق مکشید" نفوس تمامی انسان‌ها، اعم از غیر مسلمان و مسلمان، احترام دارد و از طرفی در قرآن کریم، احکام سنگینی برای محاربین و مفسدین فی الارض، که جان و مال دیگران را در معرض خطر قرار می‌دهند، در نظر گرفته شده است که همین موضوع نشان از آن دارد که دین اسلام همواره در صدد پرهیز از تروریسم و خشونت بوده و از نظر تمام مذاهبش نفس انسان حرمت زیادی داشته و جواز کشتن دیگران به ناحق ممنوع اعلام شده. در آیه شریفه (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا) (مائده/۳۲)، "هر کسی، انسانی را جز به قصاص قتل یا به کیفر فساد در زمین بکشد چنان است که گویی تمام مردم را کشته است و هر که کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده نگه داشته است" واضح است، کشتن کسی که مرتکب این دو عمل نشده، قتلی نارواست و در واقع در حکم کشتن تمام افراد جامعه است. مطابق قوانین مدون، جرایم علیه بشریت عبارتند از، جرایم خاصی مانند: ناپدید سازی اجباری، شکنجه، قتل، به بردگی گرفتن و غیره، که در واقع به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی صورت می‌گیرد (ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری). بنابراین یکی از مهمترین ویژگی‌های جنایت علیه بشریت در واقع ماهیت جمعی بودن آن است و شامل اقدامات منفرد خشونت آمیز و اقدامات علیه تعدادی از افراد نمی‌شود (ورله ۱۳۸۷: ۶۴) توضیح این که، جنایت علیه بشریت جرایمی است که تهدید کننده منافع کل جامع بین الملل باشد، از این رو بدلیل محدود بودن تعداد شهدای حادثه ترور سردار سلیمانی، نمی‌توان این اقدام را جنایت علیه بشریت دانست. در غرب، بدلیل تبلیغات گسترده و تلاش به منظور جلوه دادن یک دیدگاه منفی در مورد مسلمانان و اسلام، موجبات بازنمایی مفهوم‌هایی مانند بنیاد گرایی، خشونت و ترور در مورد مسلمانان که در واقع به

نوعی ضد هنجار غربی و ضد هنجار انسانی به حساب می آید، فراهم شده است. آن چه که باعث ترویج پیش داوری های سیاسی و مذهبی و تبعیض ها و منزوی کردن افراد در جوامع غربی می شود و متعاقباً آنان را مستعد افراط گرایی می کند، در واقع گسترش این روش تفکر مبنی بر مجرم انگاری مسلمانان است (کریمی مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۵۶). بنابراین نمی توان دین و مذهب را منشاء تروریسم و خشونت معرفی کرد بلکه تفسیر ابزاری و غلط از مذهب و دین است که خشونت نامتعارف را گسترش می دهد (کریمی پاشاکی، ۸۴_۸۶: ۱۳۹۱). حال کشورهای غربی از یک طرف مدعی نگرانی از گسترش تروریسم در جهان هستند، از طرفی بسیاری از مردم بیگناه، قربانیان تروریسم دست پرورده غرب می شوند؛ این درحالی است که پشت پرده مبارزه با تروریسم سیاست های دو گانه غرب دنبال می شود با این توضیح که آن ها سعی دارند مانع افشای حقایق درباره علل ترویج تروریسم و افراط گرایی شوند. از نظر ترامپ (رئیس جمهور سابق ایالات متحده آمریکا)، سردار سلیمانی در حال تدارک دیدن حملات مسلحانه قریب الوقوع علیه نظامیان و دیپلمات های آمریکا بود. این درحالی است که ایالات متحده آمریکا تا کنون هیچ دلیلی برای این ادعا ارائه نداده است و از طرفی این حمله زمانی صورت می گیرد که مخاصمه مسلحانه ای در کشور عراق بین ایران و آمریکا در جریان نبود و بنا بر خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۸) که در رسانه ها منتشر شد، سردار سلیمانی از سوی دولت عراق به طور رسمی دعوت شده بود تا درباره برخی از مسائل به صورت دیپلماتیک گفتگو کند (نژندی منش، ۱۳۹۹: ۲۵۰). علی رغم انکار رسمی بودن دعوت توسط برخی از شخصیت های دولت عراق، حضور سردار سلیمانی به عنوان نماینده ایران بنابر اظهارات نخست وزیر وقت این کشور حامل یک پیغام در پاسخ به پیام مقامات عربستان سعودی بود که در واقع دولت عراق در این بین میانجی گر میان این دو کشور بوده است (www.independent.co.uk, 2020). به عنوان یک یافته اولیه می توان بیان داشت تحدید و نقض حقوق بشری به بهانه مقابله و مبارزه با تروریست ها نه تنها قابل پذیرش نیست بلکه بیشتر به مثابه یک نقض غرض بوده تا ارائه و پیگیری پاسخ صحیح و منطقی به یکی از مشکلات مهم جامعه بشری امروز؛ به بیان دیگر نمی توان به تدابیر و اقداماتی به منظور مقابله با تروریسم متصل شد که خود محملی برای نقض مقررات و موازین حقوق بشری می باشند.

ترور و تروریسم

در فرهنگ فارسی عمید ترور در معانی هراس، بیم، ترس زیاد، وحشت و خوف به کار رفته است، و در اصطلاح سیاست؛ یعنی از بین بردن و کشتن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم. بنابراین تروریست به عامل و طرفدار ترور و شخصی که برای رسیدن به هدف سیاسی خود انسانی را به طور غافل گیرانه بکشد و ایجاد هراس و وحشت کند، تعریف می گردد. تروریسم روش کسانی است که ایجاد خوف و وحشت، تهدید مردم و آدم کشی را به هر طریقی که باشد، برای رسیدن به اهداف سیاسی خود از قبیل در دست گرفتن زمام امور یا تغییر حکومت، لازم و مباح می دانند. در یک جمع بندی ترور را می توان اینگونه تعریف کرد: خشونتی غیر عادی که در واقع از قواعد رسمی حاکم بر اجبار (بالاخص، رد تمایز میان گناهکاران، بی گناهان، مبارزان و غیر مبارزان) پا را فراتر نهاده است (بهره مند بک نظر و پیرورام ۱۳۹۶: ۶۱). بنابراین شاخصه های ترور بر مبنای تعاریف متعددی که از تروریسم صورت گرفته است مبین این نکته است که این دسته از جرایم دارای چند ویژگی مهم هستند: ۱- منجر به ایجاد رعب، وحشت، خوف، ترس و هراس در میان مخالفان یا مردم می گردد و این اقدام، هراس انگیز، زور مدارانه و خشونت آمیز است. ۲- با هدف تأثیر بر رفتار مخالفان یا به جهت تضعیف حاکمیت یا به منظور در دست گرفتن امور صورت می گیرد. به بیان دیگر دارای اهداف اعتقادی، سیاسی، دینی، نژادی و یا اعتقادی و به دور از اهداف فردی می باشد. ۳- اقدام مذکور همراه با خشونت غیر قانونی، پنهانی و ناگهانی است (شیرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

معادل تروریسم در فقه

در کتب فقهی، به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق جزا ایران، سخنی از اقدامات تروریستی و ترور به میان نیامده، بنابراین سعی بر آن است تا واژه های فقهی که با این اصطلاح همخوانی دارند و در واقع زیر مجموعه یک رفتار مجرمانه می باشند، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. در فرهنگ و ادبیات سیاسی و حقوقی اسلام، پیشینه ای از اقدامات تروریستی در فقه نمی توان یافت؛ بلکه واژه تروریسم در غرب تولید و به عنوان یک مکتب در اروپا تشکیل و سپس وارد زبان عربی و

۱. فرهنگ فارسی عمید، ذیل کلمه ترور.

فارسی شده است. بنابراین معادل تروریسم در زبان عربی واژه‌هایی مانند: بغی، فتک، محاربه، اغتیل و ارباب می‌باشند که به تفصیل مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

محاربه و افساد فی الارض

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (مانده/۳۳). محاربه در واقع نوعی فساد اجتماعی است که کیفر خاصی در فقه برای مرتکب آن در نظر گرفته شده است. فقها در تعریف آن گفته‌اند: محارب هر شخصی (اعم از زن یا مردی) است که به قصد ارباب مردم و به منظور تباهی و آشوب و فساد افکنی در زمین سلاح را بکشد یا آماده سازد (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ۳۶۱). با توجه به اینکه در این آیه علاوه بر بحث محاربه، به افساد فی الارض هم اشاره شده، باید به این سوال پاسخ داد که آیا این دو عنوان در آیه شریفه بر موضوع واحد و مترادف صادق هستند یا اینکه به طور مترادف به کار رفته‌اند؟ از نظر حقوقی تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حقوقدانان با استناد به ماده ۱۸۳ قانون مذکور (مصوب ۱۳۷۰) قائل به نظریه وحدت بودند اما در سال ۱۳۹۲، قانونگذار در واقع نوعی تمایز بین این دو عنوان مجرمانه قائل شده است. در فقه نظریات مختلفی بین فقهای اسلامی در خصوص رابطه بین این دو اصطلاح بیان شده است به گونه‌ای که برخی قائل به ثبوت هستند و گروهی دیگر قائل به وحدت شده‌اند. مفهوم افساد فی الارض و محاربه همانطور که از عنوان آن‌ها مشخص است، برگرفته از قوانین اسلامی می‌باشند در حالی که تروریسم و مفهوم آن از دموکراسی مدرن نشأت می‌گیرد. بنابراین به منظور مشخص نمودن شباهت‌ها و تفاوت‌های این اصطلاحات، در وهله نخست، با توجه به خاستگاهشان، باید به مفهوم شناسی آنها توجه نمود. برخی از محققان برآنند که گروهی از فقهای اسلامی و اندیشمندان معتقدند واژه‌های "محاربه" و "فساد فی الارض" با واژه "تروریسم" مترادف‌اند (شبان‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲)؛ مطابق این دیدگاه، در نظام اسلامی، تروریسم در واقع همان محاربه است و می‌توان آن را اینگونه تعریف نمود: هر گروه اعم از حکومت، جمعیت، حزب، شخص واحد، که قیام مسلحانه و ایجاد رعب و هراس کند و امنیت را در جامعه نقص و سلب کند (موسوی

بجنوردی، ۱۳۸۰: ۱۸۳). گروهی دیگر نیز با همین استدلال، برخی از مصادیق تروریسم که هیچ جایگاه فقهی ندارد، مانند سوء قصد به جان مقامات را در زمره جرایم در حکم افساد فی الارض و محاربه می دانند (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸: ۱۴۱، ۱۴۰). در مقابل به اعتقاد برخی از حقوقدانان، تروریسم از محاربه جدا است؛ چرا که محاربه به معنای بر کشیدن جنگ افزار برای ترساندن است (تجرید السلاح لإخافة الناس)؛ در حالی که در اقدامات تروریستی نه شرط بودن جنگ افزار ضرورت دارد و نه بهره گیری لازم است بلکه صرف استفاده از سلاح به قصد ارباب موجب تحقق آن می شود از طرفی این عناوین از حیث نتیجه و قصد مرتکب، متفاوت می باشند (عالی پور، ۱۳۸۹: ۹۵). به بیان دیگر در جرم محاربه انگیزه اساسا تاثیری در ماهیت جرم ندارد در حالی که شخص تروریسم یک توجیه برای رفتار خود داشته و انگیزه او در ارتکاب رفتار مجرمانه باعث می شود که عده ای مرتکب این عمل را قهرمان و برخی تروریست بنامند. توضیح اینکه، یکی از مهم ترین انگیزه هایی که اغلب جریان های تروریستی به دنبال آن هستند، رسیدن به اهداف سیاسی و بعضا مذهبی می باشد؛ در حالی که تحقق و حصول نتیجه مجرمانه غالبا از اهدافی می باشد که مرتکبین در جرایم محاربه و افساد فی الارض آن را دنبال می کنند. از طرفی، قانونگذار در ماده ۲۸۶ ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲)، با یک تفسیری گسترده از افساد فی الارض و بسط آن به جرایم ضد عفت عمومی، جرایم مالی و اقتصادی، عمده جرایم علیه تمامیت جسمانی و نیز به کار بردن اصطلاحاتی مانند اخلال شدید، ورود خسارت عمده، باعث شده که قضات محاکم در اظهار چگونگی و کیفیت تحقق این جرایم و نتایج آنها، از اختیارات نامحدودی در تفسیر این عبارات برخوردار باشند.

بغی

تعاریف مختلفی از بغی در کتب فقهی ارائه شده است، گروهی از فقها معتقدند بغات به مسلمانانی گفته می شود که علیه پیشوای معصوم دین قیام کرده باشند، مانند خوارج نهروان (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۱۱۲) که قدر مشترک همه این تعاریف در واقع "شورش مسلحانه علیه امام است" (رحیمی نژاد و صفر خانی ۱۳۹۳: ۱۱۰) در حقوق اسلامی به تجاوز سازمان دهی شده و مسلحانه به منظور غضب حقی اطلاق می گردد. از نظر فقهی، بغی این گونه تعریف شده است، خروج بر امام عادل و افراشتن پرچم مخالفت با حاکمیت مشروع دینی است حتی اگر قصد

ترساندن و اخافه را برای مردم نداشته باشند که اصولاً قصد سلب امنیت عمومی و ترساندن مردم، مطرح نیست، و کسانی که دست به چنین اقداماتی می زنند باغی خوانده می شوند. آنچه که از روایات به عنوان سیره حضرت علی (ع) در مقابله با بغات ذکر شده است، بیشتر تأکید بر واکنش ملاطفت آمیز با باغیان و سعی در برطرف نمودن رفع ایرادات و شبهه آنان به حکومت و دفاع در برابر تهاجم آن ها است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۴: ۵۱). عمل بغی بیش از آن که در زمره جرایم علیه امنیت مردم تلقی شود، به عنوان یک جرم علیه حاکمیت و دولت شمرده می شود. به همین دلیل قانون گذار و شارع نسبت به باغیان تا حدود زیادی، سیاست مدارا و ارفاق را در پیش گرفته است (ابراهیمی ورکیانی و شاپوری، ۱۳۹۲: ۱۵). بنابراین از توجه به این توضیحات نمی توان از عنوان مجرمانه بغی برای تروریسم بهره برد با این توجیه که مطابق تعریفی که قانونگذار در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (کتاب حدود) از بغی مطرح کرده است، آن را قیام مسلحانه و گروهی در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران دانسته، در حالی که تروریسم هم می تواند به صورت انفرادی ارتکاب یابد و هم علیه اشخاص حقیقی و یا دارایی های آن ها، نه لزوماً اقدامی که تهدید علیه اساس نظام باشد.

فتک

این اصطلاح در معنای جایی پنهان شدن و شخصی را بی محابا کشتن، به کار رفته است، که اسلام آن را مردود اعلام کرده است. در قرآن کریم در خصوص حرمت فتک آیه ای وجود ندارد اما در سیره و سنت نبوی در این باره روایاتی ذکر شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: "الایمان قید الفتک و لا یفتک المؤمن" ایمان مانع کشتن پنهانی است و اجازه نمی دهد کسی را به صورت پنهانی به قتل رساند (ساعد، ۱۳۹۰: ۲۵۵). از توجه به روایاتی که در این باب وجود دارد، فتک تنها شامل قتل، با هر انگیزه ای اعم از سیاسی، مالی و غیره می شود و تفسیر گسترده از روایات در توسعه این نهاد به دیگر اقدامات تروریستی مشکل به نظر می رسد. از طرفی روایاتی که در این خصوص وجود دارد، برای کسی که اقدام به فتک می کند، مجازاتی معین نکرده و تنها دلالت بر حرمت دارد. بنابراین ارتباط سایر اقدامات تروریستی با فتک عموم و خصوص مطلق است و دایره شمول اقدامات تروریستی اعم از فتک است (مختاری افراکتی و حسینی مهر، ۱۳۹۵: ۱۲۲). همچنین مطابق تعاریفی که در این زمینه وجود دارد، در فتک بر روی عنصر قتل

تاکید شده است این درحالی است که در ترور، قتل لزوماً از ارکان آن نمی باشد، هرچند بسیاری از مصادیق آن همراه با ازهاق نفس است.

ارهاب

ارهاب از نظر لغوی به معنای خشونت سیاسی است، جایی در فرهنگ اسلام ندارد و تنها در چند دهه اخیر بدان راه یافته است. آنچه که در سنت شریف نبوی و قرآن کریم آمده واژه ترهیب، که به معنای ایجاد خوف و ترس است و خصلت بازدارندگی دارد. آیه " وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ " به معنی آن است که "چنان عده وعده ای فراهم کنید که دشمنان از استعداد دفاعی شما به هراس بیفتند و در شما طمع نکنند" (انفال/۶۰). بنابراین با توجه به نص قرآنی نمی توان تروریسم را در مورد این واژه صادق دانست (ساعده ۲۵۵:۱۳۹۰). لازم به ذکر است ارهاب در قرآن کریم و ادبیات قدیم در معنای ترور به کار برده نشده است ولی مطابق تعاریف معاصرین این دو واژه معادل و مترادف یکدیگر ترجمه شده است.

اغتیال

واژه اغتیال از جمله افعال ارعابی محسوب نشده و هیچ گونه ترسی را بر خود حمل نمی کند. توضیح اینکه اغتیال به معنای حمله، یورش و صدمه به جان انسان ها به طور مخفیانه است و در این تعریف ایجاد وحشت، رعب، اهداف سیاسی و برهم زدن نظم عمومی مورد توجه نیست (محقق داماد و تقی زاده قوژدی، ۱۳۸۸: ۹۲). در خصوص واژه های فتک، ارهاب و اغتیال، علی رغم اینکه در فقه جرم انگاری شده اند، لکن مطابق اصل قانونی بودن جرم و مجازات و به جهت مشخص نبودن نوع و میزان مجازات شرعی و قانونی آن ها و همچنین توجه به این موضوع که آیات و احادیث شریفه صرفاً اشاره بر حرمت این اقدامات دارند و از طرفی به جهت اینکه در قوانین مدون به آن ها اشاره ای نشده است، لذا نمی توان این عناوین را با اقدامات تروریستی یکی دانست و قائل بر یک رویکرد وحدت گرا بود.

سیر جرم انگاری تروریسم در ایران

مهمترین اقدامات تروریستی که در تاریخ اسلامی می توان به آن ها اشاره کرد، اقدام علیه جنایت رهبران اسلامی است که عمدتاً به دست غیر مسلمانان و یا حتی برخی از مسلمانان که در

واقع برداشت و تفسیر انحرافی از اسلام داشته اند، صورت پذیرفته است. علی رغم اینکه کشور ایران در طول تاریخ و خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، هدف بسیاری از جرایم تروریستی قرار گرفته، اما هیچ گاه در قوانین ایران با این پدیده مجرمانه، برخورد جدی به عمل نیامده است. این در حالی است که در ادبیات سیاسی ایران، اصلاح تروریسم یک واژه پر کاربرد و شناخته شده است، لکن در قوانین مدون ایران ماهیت حقوقی آن مشخص نیست و فصل خاصی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای توصیف و تعریف تروریسم و ترور پیش بینی نگردیده است که در قالب یک فصل آن را جرم انگاری و برای آن مجازات تعیین کند. در حال حاضر سیزده سند بین المللی در ارتباط با مبارزه با تروریسم به تصویب رسیده است که ایران فقط به شش سند از این اسناد ملحق شده است، بنابراین شرایط اقتضا دارد که جمهوری اسلامی ایران، قانون جامعی در مورد این پدیده شوم که بیشتر به کشتن انسان های بی گناه و خراب کاری در اماکن عمومی، منتهی می گردد، تصویب کند. شاید از جمله دلایلی که باعث شده است ایران جزو بزرگ ترین و اولین قربانیان تروریسم باشد، نبود قانون جامعی در مورد تروریسم است (کیخا و همکاران ۱۳۹۶: ۱۱۲).

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی- تحلیلی است که پس از بیان دیدگاه های مختلفی که در خصوص تروریسم بیان شده است و همچنین بررسی مقررات جزایی داخلی به امکان سنجی تعقیب کیفری عاملین شهادت سردار سلیمانی و رابطه بین جرایم علیه تمامیت جسمانی و اقدامات تروریستی و از طرفی علیه امنیت داخلی بودن اقدام آمریکا، می پردازد. ابزارهای گردآوری اطلاعات نیز، مراجعه به مقالات داخلی، کتب فارسی، آیین نامه ها، قوانین و نهایتاً مراجعه به منابع الکترونیکی و استفاده از جستارگرایی رایانه ای می باشد.

یافته‌های پژوهش

تروریستی و علیه امنیت داخلی بودن اقدام آمریکا

در حقوق کیفری ایران، علی‌رغم برخی از تعاریفی که از ترور و تروریسم توسط حقوقدانان به میان آمده و همچنین برخی از قوانین و کنوانسیون‌هایی که به این موضوع اشاره کرده‌اند، لکن مجازات قانونی برای آن پیشینی نشده است. هر چند قانونگذار در ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) از اصطلاح "سوء قصد" استفاده کرده، لکن نمی‌توان آن را با ترور یکی دانست. لذا، این ماده، در پرونده‌های تروریستی نمی‌تواند مبنای صدور حکم محاکم قضایی قرار گیرد چرا که در رویه قضایی با دو ایراد مواجهه می‌گردد؛ اول آن که در سوء قصد، متهم فقط قصد جنایت را دارد، اما نتیجه محقق نمی‌گردد و این موضوع بیشتر ناظر بر شروع به جرم است (هر چند با انگیزه سیاسی) و احکام شروع به جرم بر آن صدق می‌کند. در حالی که در ترور هم محصول، اعم از ازهاق نفس و یا هر خراب کاری دیگر، حاصل شده و هم تروریسم به مقصود خود که در واقع تحقق نتیجه است، رسیده. ایراد دوم، این ماده فقط برای برخی از شخصیت‌ها جرم‌انگاری شده است. به بیان دیگر چنانچه سوء قصد نسبت به اشخاصی که قانونگذار به آن‌ها اشاره کرده، تحقق یابد، می‌تواند مبنای مستند محاکم قضایی قرار گیرد اما برای دیگر اشخاص، جرم‌انگاری نشده است. با توجه به اینکه خشونت و خونریزی از ارکان ترور می‌باشند که توسط تروریسم ارتکاب می‌یابد لذا می‌توان با احراز شرایط این بزه، بالاخص سیاسی بودن هدف و انگیزه مرتکب آن، ازهاق نفس را یکی از نتایج این رفتار مجرمانه دانست. به بیان دیگر بعد از اثبات تروریستی بودن رفتار ارتكابی، برای تشخیص مجازات قانونی عنوان مجرمانه، نتیجه ارتكابی، کافی برای مستند محاکم قضایی می‌باشد تا از حیث احکام و قوانین مربوط به صلاحیت و همچنین تشخیص نوع و میزان مجازات قانونی، محاکم داخلی امکان رسیدگی، تحقیق و تعقیب آمران این اقدامات را داشته باشند. از طرفی مطابق رای شماره ۵۲۱ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹ دیوان عالی کشور، یکی از مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی کشور، ارتكاب قتل عمدی همراه با ایجاد رعب و وحشت بین مردم است. لذا، با توجه به منطبق بودن اقدام ایالات متحده آمریکا با این عناوین مجرمانه، بنابراین، می‌توان رفتار این کشور را یک اقدام تروریستی و

علیه امنیت داخلی کشور که در نهایت منتهی به قتل شده است، محسوب کرد. نکته حائز اهمیت آن است که احراز علیه امنیت بودن اقدام این کشور باعث می شود که قانونگذار تمامی محدودیت هایی که برای این دسته از جرایم پیش بینی کرده است، بر مرتکبین این جنایت تحمیل گردد. هر چند مجازات قانونی بر اساس نتیجه بزه ارتكابی، حسب مورد قصاص و یا مطالبه دیه و پرداخت خسارت است. بدیهی است که قانونگذار در تبصره ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) تا حدودی این استنباط را تقویت کرده است؛ مطابق این تبصره چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود، مرتکب علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد. ایرادی که بر این استدلال وارد است اینکه، تبصره مذکور صرفاً ناظر بر شخصیت های مندرج در صدر ماده است و با یک تفسیر مضیق و محدود به نفع متهم، نمی توان آن را به اشخاص دیگر تسری داد. در مقابل می توان چنین استدلال نمود که حتی اگر این ماده، با توجه به توضیحات اخیر، نتواند مبنای تصمیم مقامات قضایی قرار گیرد، اما باز هم چنین اقداماتی توسط قانونگذار جرم انگاری شده و مجازات قتل عمدی برای آن ها در نظر گرفته شده است؛ مطابق بند ت ماده ۲۹۰ قانون اخیرالذکر (مصوب ۱۳۹۲)، بمب گذاری در اماکن عمومی در صورتی که منجر به ازهراق نفس و یا جنایت علیه تمامیت جسمانی گردد، اقدام فاعل، عمدی محسوب شده و چنانچه نتیجه سلب حیات باشد، مجازات قصاص برای مرتکبین پیش بینی شده است. علاوه بر این، عبارت ترور، در برخی از قوانین کیفری که توسط قانونگذار جرم انگاری شده است (مانند قانون به کارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳)، در معنای قتل عمد آمده است. اما اصطلاح تروریسم هر چند در حقوق کیفری ایران جرمی جداگانه را شکل نمی دهد اما در برخی از قوانین کیفری (مانند قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات سال ۱۳۹۷) می تواند منطبق با عناوین کیفری متعددی از جمله قتل عمدی گردد. همچنین مطابق تعریفی که از جرم تروریستی در بند سوم از ماده یک قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین المللی مصوب سال ۱۳۸۷ بیان شده، یکی از مصادیق این دسته از جرایم ارتکاب جرم به منظور تحقق هدف تروریستی علیه اتباع یک کشور است؛ بنابراین می توان ارتکاب جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص را یکی از زیر مجموعه های آن دانست.

بدیهی است که تهدیدات قبلی ایالات متحده آمریکا مبنی بر ترور سردار سلیمانی^۱ و بالاخص اعتراف رئیس جمهور این کشور بعد از این اقدام مجرمانه، خود نشان از محرز بودن قصد و سوء نیت عاملین این جنایت داشته است. لازم به ذکر نماینده کشور عراق در سازمان ملل متحد، به موجب دو نامه که در واقع خطاب به دبیر کل سازمان ملل و شورای امنیت بوده است، رسماً بیان داشته که حمله هوایی ایالات متحده در سرزمین بغداد، که این کشور (آمریکا) صریحاً آن را منتسب به خود دانسته، قتل خود سرانه و بدون مجوز قانونی بوده است.^۲

تشخیص صلاحیت و پیگیری آن در محاکم داخلی

باتوجه به این که ترور سردار سلیمانی، فرمانده کل سپاه قدس ایران و همراهانش در سرزمین کشور عراق و توسط پهباد های آمریکایی و به دستور مستقیم رئیس جمهور سابق آن کشور صورت گرفته است، لذا برای پیگیری قضایی این موضوع به ویژه برای بازماندگان و خانواده های شهدای این واقعه، محاکم ایران ابتدا باید صلاحیت رسیدگی خود را احراز و سپس شروع به اقدامات تعقیبی و تحقیق در این زمینه کنند. برای این که دولت ها صلاحیت رسیدگی به یک رفتار مجرمانه ای را داشته باشند، در وهله اول باید قوانین مربوط به صلاحیت، مورد پذیرش آن کشور قرار گرفته باشد، چنانچه در ارتباط با یک رفتار مجرمانه، با یک فاکتور و عنصر خارجی و بیگانه مواجه شویم (اعم از آن که محل وقوع جرم خارج باشد و یا بزه دیده یا بزه کار تابعیت بیگانه داشته باشند)، بحث از رشته حقوق جزای بین الملل مطرح می گردد که مصادیق آن، شامل صلاحیت واقعی، صلاحیت سرزمینی و صلاحیت شخصی (اعم از فعال و منفعل)، به تفصیل مورد بحث قرار می گیرد. لازم به ذکر است، هر چند قانونگذار در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به صلاحیت جهانی اشاره کرده است و در این نوع صلاحیت، محاکم، صرف نظر از محل وقوع جرم، تابعیت بزه دیده و بزهکار، امکان رسیدگی و تعقیب کیفری را دارند، اما در عمل برای استناد به این ماده به منظور احراز صلاحیت محاکم، ابهاماتی وجود دارد، اول آنکه ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهایی که خود حامی تروریسم هستند، اقدامات خود را تروریستی نمی دانند،

۱. به گزارش ایرنا، مارک اسپر وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در دولت ترامپ، در یکی از کتاب های خود به نام "سوگند مقدس" افشا کرد که ترور سردار سلیمانی به دفعات از سوی رئیس جمهور ترامپ در جلسات مطرح و با یک برنامه ریزی از قبل طراحی شده اجرا گردید.

2. <https://www.yjc.ir/00UCz1> (Available at: 07.01.2020)

از طرفی به دلالت صدر ماده فوق که همان "عهد نامه ها و مقررات بین المللی" است، جوامع بین المللی باید نسبت به تروریستی محسوب کردن رفتار مجرمانه و متعاقباً استناد به صلاحیت جهانی، اتفاق نظر داشته باشند؛ لکن نبود قانونی مبنی بر جرم انگاری کردن ترور و تروریسم (حداقل در میزان مجازات مقرر قانونی) و تعیین مصادیق برای این رفتار مجرمانه، خود مانعی برای استناد به صلاحیت جهانی است. آنچه که باعث تحقق صلاحیت واقعی (موضوع ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) می گردد، ارتکاب جرم علیه منافع و امنیت یک کشور است. به بیان دیگر، هر کشوری منافع خودش را در خطر ببیند، برای خود در خارج از قلمرو آن کشور صلاحیت قائل می شود. مانعی که برای استناد به این صلاحیت وجود دارد آن است که، قانون گذار در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، ارتکاب جرم علیه اموال و منافع برخی از شخصیت های احصا شده زنه ارتکاب جرم علیه تمامیت جسمانی { و یا ارتکاب بزه علیه تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران را مناط استناد به صلاحیت واقعی دانسته است. البته با توجه به توضیحاتی که مطرح گردید و اثبات علیه امنیت بودن اقدام آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی، خود مجوزی برای استناد به این صلاحیت برای محاکم قضایی است. هر چند ممکن است این ایراد مطرح گردد که مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور توسط قانونگذار در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ ق.م.ا (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) احصاء شده است و با توجه به اینکه اقدام آمریکا با هیچ یک از این مصادیق مطابقت ندارد لذا تسری این عنوان مجرمانه به قتل عمدی ولو در حد گسترده و با استناد به یک رای وحدت رویه، خلاف مقصود و منظور قانونگذار است. در مقابل می توان بیان داشت که اولاً آراء وحدت رویه از منابع اصلی حقوق جزا بوده و لذا می توانند مستند محاکم قضایی قرار گیرند و ثانیاً هدف آمریکا از ارتکاب چنین جنایت بزرگی، کافی برای "علیه امنیت" دانستن این واقعه می باشد. صلاحیت سرزمینی (موضوع ماده ۳ قانون فوق الذکر) یکی دیگر از مصادیق حقوق جزای بین المللی است که خود به دو بخش تقسیم می شود: الف) سرزمین واقعی، که شرط تحقق آن، ارتکاب جرم در قلمرو حاکمیت کشورمان ایران است. ب) سرزمین تصنعی، که هر چند خارج از قلمرو یک کشور است لکن ارتکاب جرم در آن قسمت، در حکم جرم واقع شده در قلمرو همان کشور است {به طور نمونه ارتکاب جرم در کشتی و یا سفارتخانه متعلق به یک کشور_ با این فرض که خارج از قلمرو حاکمیتی آن کشور، قرار دارند}. با توجه به اینکه

محل شهادت سردار سلیمانی خارج از قلمرو حاکمیت ایران (اعم از سرزمین واقعی و تصنعی) بوده، خود مانعی برای استناد به این نوع صلاحیت است. یکی دیگر از ارکان حقوق جزای بین الملل، صلاحیت شخصی است که خود به دو قسم، صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه دیده (صلاحیت شخصی منفعل - موضوع ماده ۸ قانون مجازات اسلامی) و صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌کار (صلاحیت شخصی فعال - موضوع ماده ۷ قانون فوق الذکر) تقسیم می‌شود. توضیح اینکه در صلاحیت شخصی منفعل، بزه دیده باید تابعیت کشور ایران را داشته باشد، در حالی که در صلاحیت شخصی فعال، بزه‌کار باید تبعه ایرانی باشد. بنابراین از توجه به این توضیحات، آنچه که به محاکم کشور ایران معجز رسیدگی برای پیگیری این موضوع را می‌دهد، در واقع صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه دیده است. از طرفی در خصوص تسری صلاحیت شخصی منفعل نسبت به جرایم تروریستی، نکته قابل توجه آن است که با توجه به اینکه دولت‌ها در عرصه بین الملل حمایت از اتباع خود را در اولویت قرار می‌دهند و در صورت وقوع جرم علیه آن‌ها در خارج از قلمرو حاکمیتی، آن را بر عهده می‌گیرند لذا، رویکرد حقوق بین الملل به رسمیت شناختن این صلاحیت در خصوص جرایم تروریستی می‌باشد (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۵۸ - ۵۶). اما مناسب ترین شیوه رسیدگی کیفری به این موضوع که توجه به آن بیش از سایر روش‌ها توصیه می‌شود طرح دعوی کیفری در محاکم ایران می‌باشد؛ چرا که هر چند از نظر جامعه بین الملل، کشور آمریکا مرتکب عمل متخلفانه شده و این رفتار ایالات متحده، در مغایرت با ماده (۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۶) میثاق حقوق مدنی و سیاسی بوده که خود مصداقی از نقض حق حیات است^۱، لکن این کشور مدعی است که اقدام مطروحه متخلفانه محسوب نمی‌شود، از طرفی شرط عملی شدن ضمانت اجرا و ارائه تضمین لازم به عدم تکرار رفتارهای مجرمانه از سوی این کشور، احراز مسئولیت بین المللی است؛ که پیشینه اقدامات ایالات متحده آمریکا در منطقه، از جمله در عراق، سوریه، افغانستان مؤید آن است که این کشور در کشتار انسان‌های مظلوم و بی‌گناه ید طولایی دارد که خود، نشان دهنده بایستگی ارائه تضمین به عدم تکرار از سوی این کشور است (غلامعلی و ستایش پور، ۱۳۹۹: ۲۱۶-۱۸۹). در رابطه با اقامه دعوی کیفری

۱ که البته با استدلال دفاع مشروع در محاکم حقوقی آمریکا این مصداق را نقض و به لحاظ حقوقی آن را توجیه می‌کنند.

در محاکم ایران، قانون مجازات اسلامی (کتاب قصاص و دیات) مبنای خوبی برای رسیدگی به این قضیه می باشد.

با توجه به اینکه ملاک اعمال صلاحیت شخصی منفعل، زمان وقوع جرم است، لذا داشتن تابعیت ایرانی^۱ در زمان وقوع بزه ضرورت دارد و به دست آوردن تابعیت بعدی مجوزی برای رسیدگی به جرم ارتكابی پیش از تحصیل تابعیت نمی گردد همان طور که ترک تابعیت بعدی موثر نمی باشد (شکری، ۱۳۹۶: ۵۳). نکته حائز اهمیت اینکه، قانونگذار در تدوین این ماده از قید "مسترد شدن متهم به ایران" و یا "یافت شدن متهم در ایران" استفاده کرده تا مانعی جهت رسیدگی غیابی وجود داشته باشد، بنابراین با توجه به اینکه قرارداد استرداد مجرمین بین کشور ایران با آمریکا وجود ندارد، در رویه ممکن است محاکم داخلی را با یک ایراد شکلی مواجه سازد.

رسیدگی در محاکم قضایی پایتخت

مطابق ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات سال ۱۳۹۴) "به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می شوند و مطابق قانون، دادگاه های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند، در دادگاه تهران رسیدگی می شود، لذا از توجه به قسمت ذیل ماده، محاکم قضایی پایتخت صلاحیت رسیدگی به پرونده شهادت سردار سلیمانی را دارند. علاوه بر این، ماده یک قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی مصوب ۱۳۹۰، صلاحیت محاکم قضایی پایتخت را پذیرفته است.

راهکار های حقوقی در واکنش به شهادت سردار سلیمانی و نحوه عملی شدن ضمانت اجرا

جستار حاضر بر آن شده است تا از منظر قوانین داخلی و قواعد مسئولیت بین المللی کیفری و حقوقی به این موضوع پردازد.

۱. لازم به ذکر است که در این پژوهش تنها شهادت سردار سلیمانی و دیگر همراهان ایرانی ایشان مورد بحث قرار می گیرد.

مسئولیت بین‌المللی حقوقی

بعد از تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به این موضوع، ابتدا باید مسئولیت بین‌المللی کشور آمریکا و رابطه انتساب عرفی بین رفتار این کشور با نتیجه حاصله احراز گردد. بنابراین بررسی شهادت سردار سلیمانی از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی که در واقع شاخه‌ای از حقوق بین‌المللی بوده، بسیار حائز اهمیت است. لازم به ذکر است حقوق مسئولیت بین‌المللی در واقع مؤید مسئولیت حقوق بین‌المللی است، نه مسئولیت کیفری. همچنین مسئولیت حقوقی (غیر کیفری) متوجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۵) و مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در مسئولیت بین‌المللی کیفری بحث می‌شود (شاو، ۱۳۹۴: ۸۹). با توجه به اینکه در این شاخه، مسئولیت ابتدائاً متوجه دولت‌ها است، لذا این سوال مطرح می‌شود که آیا رفتار دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده)، به تنهایی می‌تواند باعث انتساب مسئولیت، به شخص حقوقی ایالات متحده باشد؟ مطابق بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی عمل متخلفانه بین‌المللی، رئیس‌جمهور کشور فدرال، در واقع ارگان کشور قلمداد می‌شود، بنابراین رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا (دونالد ترامپ)، مطابق حقوق مسئولیت بین‌المللی، به تنهایی یک ارگان در کشور آمریکا محسوب می‌شود؛ لذا، از توجه به این توضیحات، اقدام صورت گرفته می‌تواند منتسب به ایالات متحده آمریکا نیز باشد. نکته حائز اهمیت اینکه، انتساب مسئولیت حقوقی و کیفری به شخص حقوقی و یا یک دولت، به منزله رفع مسئولیت اشخاص حقیقی نمی‌باشد؛ به بیان دیگر مسئول شناختن ایالات متحده در این جنایت، به معنای زوال مسئولیت کیفری از عاملین اصلی این اقدام، نمی‌باشد^۱. بعد از احراز انتساب، به مسئولیت این کشور به موجب حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.

۱. مطابق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۳ این قانون مسؤل شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن، به یک تا دو مورد از مجازات‌های مندرج در این ماده، محکوم می‌شود؛ این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست.

جبران خسارت^۱

مطابق ماده ۳۴ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه مسئولیت بین المللی دولت ناشی عمل متخلفانه بین المللی، جبران خسارت کامل (اعم از مادی و معنوی) در مقابل ضرر و زیان ایجاد شده توسط رفتار متخلفانه در قالب جلب رضایت، غرامت و اعاده وضع به حال سابق، پیش بینی شده است. که می تواند به صورت مجتمعاً و یا منفرداً انجام گیرد. هر چند جبران خسارت معنوی برخاسته از رفتار آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی، به صورت کامل، به هیچ وجه قابل جبران نیست، لکن باید تا آنجا که امکان پذیر است، صورت بپذیرد (قاسمی و ستایش پور ۱۳۹۹: ۲۰۴). اگر چه یکی از مصادیق جبران خسارت_ یعنی اعاده وضع به حال سابق_ در برخی از موارد، من جمله در مورد شهادت سردار سلیمانی، امکان پذیر نیست، لکن مصادیق دیگر آن، بالاخص پرداخت غرامت، باید مطمح نظر قرار گیرد؛ که در این خصوص ایالات متحده، به عنوان کشور مسئول عمل متخلفانه، ملزم به جبران خسارت و عذرخواهی رسمی، می باشد.

مسئولیت بین المللی کیفری

واکنش به رفتار دولت متخلف (اقدام متقابل)

علیرغم اینکه مطابق شق اول بند (۱) ماده ۵۰ پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین الملل در مسئولیت بین المللی دولت ها، واکنش متقابل دولت ها نباید همراه با توسل به زور باشد، لکن با توجه به اینکه اقدام ایالات متحده آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی در واقع نقض تعهدات بین المللی این کشور در برابر کشورهای عراق و ایران بوده است، لذا توسل به اقدام متقابل توسط این دو دولت بلامانع است. به همین دلیل، با توجه به اینکه حمله به وسیله نقلیه سردار سلیمانی نوعی تهاجم مسلحانه بوده، بنابراین، اقدام متقابل_ ولو نظامی_ در برابر آن جایز است. لذا، به نظر می رسد واکنش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حملات موشکی به پایگاه عین الاسد در هجدهم دی ماه ۱۳۹۸ (۶ ژانویه ۲۰۲۰) که پنج روز بعد از اقدام ایالات متحده، صورت

۱. اشاره به این نکته لازم است که رفتار ایالات متحده آمریکا از زوایای گوناگونی متخلفانه محسوب می شود و ابعاد دیگر اقدام متخلفانه این کشور، نیازمند پژوهش های مستقلی است.

گرفت، قابل توجه بوده و می تواند نوعی توسل به دفاع مشروع و واکنش به رفتار این کشور باشد. در مقابل برخی از حقوقدانان معتقدند که واکنش متقابل ایران در حملات موشکی به پایگاه آمریکایی نه تنها توسل به دفاع مشروع نبوده بلکه مغایر بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد قلمداد می گردد (زمانی، ۱۳۹۸: ۱۶). همچنین، به نظر می رسد تصویب مقرره خروج نظامیان آمریکا از عراق، نوعی اقدام متقابل در برابر رفتار متخلفانه کشور آمریکا محسوب شده که مورد استقبال هر دو کشور ایران و عراق نیز می باشد (رشیدی و مشهدی، ۱۳۹۹: ۷۱).

راهبرد قضایی داخلی

با توجه به اینکه در نظام کیفری ایران، مجازات جرایم عمدی علیه تمامیت جسمانی، قصاص می باشد (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) از این رو چنانچه متهمین و عاملان اصلی این جنایت به کشور ایران اعاده گردند و یا به هر طریقی به آنها دسترسی حاصل گردد، علاوه بر محدودیت هایی که قانونگذار برای جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور وضع نموده است^۱، تحمیل مجازاتی که از سوی قانونگذار برای این رفتار مجرمانه تعیین شده است، بر این دسته از اشخاص، پیشنهاد می گردد و در صورت عدم دسترسی به آنها طبق ماده ۴۳۵ قانون فوق الذکر اقدام می گردد. مطابق قسمت صدر این ماده "چنانچه دسترسی به مرتکب ممکن نباشد، با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود. از طرفی در صورتی که اموالی از مرتکبین در ایران شناسایی نگردد می توان نسبت به بلوکه کردن اموال و دارایی های آنها از طریق مراجع بین الملل و سایر کشورهایی که با ایران پیمان متقابل دارند اقدام نمود. بنابراین می توان با همکاری دولت های خارجی که در ضمن معاهداتی با کشور ایران نسبت به شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه های ایران متعهد هستند، اموال مقامات آمریکایی و یا دولت

۱. این محدودیت ها به دو دسته شکلی و ماهوی تقسیم می شوند، از جهت شکلی مصادیق آن عبارت اند از: انتخاب و کلای مورد تایید رئیس قوه قضاییه برای متهمین این جرایم در مرحله تحقیقات مقدماتی (تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک)، امکان کنترل ارتباطات مخابراتی آنان (ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک)، صدور قرار عدم دسترسی به محتویات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی (ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک) و از حیث ماهوی: محرومیت از شرایط مخففه، مانند تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۷ ق.م.ا)، ممنوعیت محاکم از اعمال مجازات های جایگزین حبس (ماده ۷۱ ق.م.ا) و عدم تسری قواعد حاکم بر مرور زمان نسبت به این دسته از جرایم (بند الف ماده ۱۰۹ ق.م.ا).

آمریکا را توقیف نمود (رشیدی و مشهدی، ۱۳۹۹: ۸۲) همچنین مطابق ماده ۷ قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه مصوب ۱۳۹۶، "قوه قضاییه موظف است کلیه اموال و دارایی های اشخاص مندرج در فهرست تحریم تهیه شده وفق تبصره های مواد (۴) و (۵) این قانون را در قلمرو تحت صلاحیت جمهوری اسلامی ایران توقیف نماید. سوالی که مطرح می گردد آن است که آیا وجود مصونیت قضایی و اجرایی مقامات آمریکایی مانع از رسیدگی به جرایم آن ها در محاکم ایران می گردد؟ در پاسخ می توان بیان داشت: قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۴ قانون اخیرالذکر، به منظور مبارزه با تروریسم و اجرای حکم مقرر در مواد ۸ و ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوه قضاییه را به اختصاص شعبی از دادسرا و دادگاه های کیفری صالح برای رسیدگی به جرایم تروریستی ملزم نموده است. لذا مانعی جهت شروع به رسیدگی و متعاقبا اعمال مجازات قانونی بر مرتکبین این اقدام، وجود ندارد.

نتیجه گیری

اقدام ایالات متحده آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی، آن هم به دستور مستقیم رئیس جمهور آن کشور در قلمرو کشور عراق، در تاریخ سوم ژانویه ۲۰۲۰، مصداق بارزی از عمل تروریستی و علیه امنیت داخلی کشور است و لذا این اقدام ناقض قواعد آمرانه حقوق بین الملل از جمله احترام به حاکمیت دولت ها می باشد. آنچه که در فقه و زبان عربی به مثابه اقدام تروریستی شناخته می شود. واژه های فتک، ارهاب و اغتیل می باشند که علی رغم جرم انگاری، لکن مطابق اصل قانونی بودن جرم و مجازات و به جهت اینکه آیات و احادیث شریفه، نوع و میزان مجازات شرعی این عناوین را تعیین نکرده اند و بیشتر دلالت بر حرمت دارند، لذا، نمی توانند مستند محاکم قضایی قرار گیرند. همچنین با توجه به توضیحاتی که داده شد، رفتار آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی را نمی توان مصداق محاربه، افساد فی الارض و بغی دانست بلکه واژه تروریسم بیشتر با جنایت آمریکا همخوانی دارد. از طرفی به جهت اینکه سیاست جنایی ایران، دارای خلاء های اساسی، حداقل در تعیین جرم انگاری مصادیق اقدامات تروریستی و اعمال مجازات قانونی برای این دسته از جرایم بوده، بنابراین، اقدام صورت گرفته را می توان مطابق رای

شماره ۵۲۱ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹ دیوان عالی از مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی کشور دانست که منتهی به جنایت علیه تمامیت جسمانی شده است و نهایتاً تحمیل مجازات قانونی بر مرتکبین با توجه به نتیجه بزه ارتكابی. بعد از احراز عنوان مجرمانه اقدام ایالات متحده، آنچه که به محاکم داخلی، مجوز تعقیب و تحقیق می دهد در واقع احراز صلاحیت است. صلاحیت شخصی یکی از ارکان حقوق جزای بین الملل بوده که خود به دو قسم، صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه دیده (صلاحیت شخصی منفعل) و صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزهدکار (صلاحیت شخصی فعال) تقسیم می شود. آنچه که باعث تحقق صلاحیت محاکم داخلی برای پیگیری این موضوع می گردد، صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه دیده است، هر چند که صلاحیت شخصی منفعل مجوزی برای شروع به تعقیب و تحقیق توسط مراجع قضایی داخلی می باشد، اما به جهت اینکه قانونگذار در ماده ۸ ق.م.ا، حضور متهم در ایران را شرط رسیدگی توسط محاکم داخلی دانسته، از طرفی نبود قرارداد استرداد مجرمین بین کشور ایران با آمریکا، خود مانعی جهت رسیدگی غیابی به جرم مرتکبین این اقدام می باشد. بنابراین شایسته است قانون گذار امکان رسیدگی غیابی را در قالب تصویب لوایحی، میسر سازد. علاوه بر این به لحاظ اثبات علیه امنیت داخلی بودن اقدام این کشور، لذا در فرض عدم دسترسی به عاملین ترور، می توان قائل به محرز بودن صلاحیت واقعی محاکم قضایی ایران بود تا از جهت شکلی مانعی به منظور شروع به تحقیقات و رسیدگی برای قضات، وجود نداشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم
- حبیب زاده، محمد جعفر و سعید حکیمی ها(۱۳۸۶)، "ضرورت جرم انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران" فصل نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱ شماره ۲.
- نژندی منش، هیبت الله(۱۳۹۹). امکان سنجی حقوقی توصیف ترور سردار سلیمانی و دیگران به مثابه جنایت علیه بشریت، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، ۲۴۵-۲۷۵.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۲). اسلام و تروریسم، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹ (پیاپی ۵۱۳)، ۱۷۸-۱۵۳.
- قاسمی، غلامعلی و ستایش پور، محمد(۱۳۹۹). مسئولیت بین المللی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، ۲۱۶-۱۸۹.
- رشیدی، مهناز و مشهدی، علی(۱۳۹۹). مهمترین راهکارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ترور سردار قاسم سلیمانی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، ۹۰-۶۳.
- کریمی پاشاکی، سجاد و احمدی دهکاء، فریبرز(۱۳۹۱). جغرافیای ترور، تهدیدهای تروریسم در جهان معاصر، رشت، انتشارات بازرگان، چاپ اول.
- فیرحی، داوود و ظهیری، صمد(۱۳۸۷). تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصل نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳-۱۶۵-۱۴۵.
- زمانی، سید قاسم(۱۳۹۸). ترور سردار، موشک باران عین الاسد، سرنگونی هواپیمای بوئینگ ۷۳۷: مثالی در ترازی حقوق بین الملل، نشریه داخلی مرکز مطالعات حقوق بین الملل مدرن، پاییز- زمستان ۱۳۹۸، ۱۲-۱۷.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۳ش، نگرشی بر مسئولیت بین المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق و سیاست سابق)، ش ۱۳
- شاو، ملکم، ۱۳۹۴ش، حقوق بین الملل: مسئولیت بین المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی، ترجمه اسماء سالاری، خرسندی.
- علیزاده، حسین(۱۳۷۷). فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، انتشارات روزنه، چاپ دوم.
- تهامی، غلامرضا(۱۳۸۱). ترجمه: تاریخ کاربرد اصطلاح (تروریسم) و مشکلات تعریف آن، فصلنامه نهضت، سال سوم، شماره ۱۲.
- گلدوست جویباری، رجبعلی (۱۳۸۸). جرایم علیه امنیت کشور، نشر جنگل جاودانه، تهران، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق، نشر کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ چهارم

- پور سعید، فرزاد(۱۳۸۸). تحول تروریسم در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم، ۱۷۰-۱۴۵
- ساعده، نادر و جمعی از اندیشمندان(۱۳۹۰). تروریسم؛ مفهوم شناسی و مبانی نظری، نشر مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران، چاپ اول.
- ورله، گرهارد(۱۳۸۷)، "جنايات عليه بشریت در حقوق بین الملل معاصر"، مترجم: امیر ساعد وکیل، مجله حقوق بین المللی، سال ۲۵، شماره ۳۹.
- شکری، رضا (۱۳۹۶). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، تهران، چاپ سوم.
- کریمی مله، علی و گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴). بررسی چرایی پیوستن جنگ جویان خارجی به داعش، فصل نامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره اول، ۱۵۵-۱۷۹.
- اسماعیلی، مهدی، ۱۳۹۵ ش، صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی در قوانین ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، ش ۹۴.
- زین العابدین بن علی، شهید ثانی(۱۳۷۷). شرح لمعه، پدید آور: سعید منصوری آرانی، نشر فرهنگ امروز، تهران، جلد دوم.
- اسفندیار، ایمان(۱۳۹۷). مقابله با تامین مالی تروریسم در حقوق کیفری ایران. پایان نامه ی دوره کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر سید ابراهیم قدسی. دانشگاه مازندران.
- شبان نیا، قاسم(۱۳۸۵). تروریسم از دیدگاه اسلام و غرب، ماهانه معرفت، سال پانزدهم، شماره ۶(پیاپی ۱۰۵)، ۴۳-۳۲.
- موسوی بجنوردی، سید محمد(۱۳۸۰). مساله ترور و تروریسم از منظر اسلام و حقوق بین الملل، همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
- بهره مند بک نظر، وحید و پیرورام، محمد، ۱۳۹۶. رابطه تروریسم با جرایم افساد فی الارض و محاربه در فقه و حقوق ایران، چکیده مقالات همایش بین المللی ابعاد حقوقی جرم شناختی تروریسم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۶۰.
- خالقی، علی(۱۳۹۷). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ یازدهم.
- عالی پور، حسن (۱۳۸۹). نسبت مفهوم تروریسم از نگاه فقه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره چهارم (مسلسل ۵۰) ۱۱۹-۱۵۱
- رحیمی نژاد اسمعیل و صفر خانی، محله (۱۳۹۳). بررسی جرم بغی در فقه امامیه و حقوق ایران، فصلنامه حقوق اسلامی، سال یازدهم، (شماره ۴۰)، ۱۳۳-۱۰۵

عظیم زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۹۴). معنا شناسی بغی و براندازی در قرآن کریم و نظام حقوق اسلامی، دو فصلنامه مطالعات روش شناسی دینی، سال دوم، شماره دوم، ۴۹-۶۵.

ابراهیمی ورکیانی، محمد و شاپوری، مریم (۱۳۹۲). بررسی محاربه و افساد فی الارض با محوریت آرای امام خمینی(ره)، پژوهش نامه متین، سال شانزدهم، شماره شصت و پنج، ۱-۲۲.

حسینی مهر، مهدیه و مختاری افراسی، نادر (۱۳۹۵). تحلیل فقهی حقوقی تروریسم و بررسی تطبیقی آن با جرم محاربه و افساد فی الارض، فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، سال پنجم، شماره سوم، (پیاپی ۱۸)، ۱۱۳-۱۳۴.

محقق داماد، حجت‌السلام دکتر سید مصطفی و تقی زاده قوژدی، شیما (۱۳۸۸). ترور و رابطه آن با محاربه با نگاهی به آرا و نظرات امام خمینی(ره)، مجله نامه الهیات، سال سوم، شماره هشتم، ۷۷-۱۰۰.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی مصوب سال ۱۳۸۷

ILC (2001). Draft Articles on International Responsibility of States (ARSIWA).

The reason Qassem Soleimani was in Baghdad shows how complex the Iran crisis is" (2020), at: <https://www.independent.co.uk/voices/qassem-soleimani-death-iran-baghdad-middle-east-iraq-saudi-arabia-a9272901.htm>

